

بسمه تعالی

مواسات امام مجتبی ۷ برای کمک به فقیر یا رفع فقر

یکی از بحران‌هایی که بدنه اجتماعی جریان حق در طول تاریخ با آن دسته و پنجه نرم کرده است مشکل معیشت و اقتصاد است مشکلی که به خاطر کارشکنی‌هایی مثل تحریم و یا تصاحب غیرقانونی دارایی‌های جریان حق توسط رؤس و بدنه اجتماعی جریان باطل به وجود آمده است.

در چنین شرایطی بزرگان مذهب علاوه بر توصیه به کمک مؤمنانه و مواسات خود به میدان می‌آمدند تا الگویی از همدلی و همیاری را به نمایش بگذارند و به دیگران بیاموزند که کمک مؤمنانه و مواسات با مردم چه راه و رسمی دارد و چگونه باید انجام شود.

الگوی مواسات و همدلی در جامعه

باید گفت هر جامعه ای در اصول اخلاقی خود نیاز به الگوگیری از شخصیتی را دارد. مطرح شدن مسأله مواسات که بسیاری از هموطنان ما در مشکلات سخت معیشتی قرار گرفته‌اند، می‌تواند با تمسک به کریم اهل بیت(ع) سبب ترویج این صفت اخلاق اجتماعی باشد.

وجود نازنین امام حسن مجتبی(ع) می‌تواند برترین الگو در این خصوص در جهان شمرده شود؛ زیرا در هیچ کجای از دنیا در هیچ مذهب و دینی نمی‌توانند چنین الگویی را برای خود در طول تاریخ نام ببرند. آنچه مهم به نظر می‌رسد در این مجال به آن توجه شود، نحوه مواسات است.

گاهی فقیری به انسان مراجعه می‌کند و انسان کمکی به آن فرد می‌کند اما این کمک سبب نجات آن فقیر از فقر نمی‌شود. گاهی اوقات انسان فقر را از بین می‌برد و کمک او شخص فقیر را از فقر نجات می‌دهد. به عبارتی حضرت در جهت تبیین این نوع مساعدت در جامعه اسلامی بودند.

روزی سائلی خدمت آن بزرگوار آمد و اظهار فقر کرد و برای آن حضرت دو بیت شعر خواند که مضمون آن چنین است: «چیزی ندارم که بفروشم و حواجی خود را رفع کنم، و حالم برگرفته ام گواه است و فقط آبرویم مانده، که می‌خواستم فروخته نشود؛ ولی امروز تو را خریدار یافتم، آبرویم را بخر و مرا از فقر نجات ده!» حضرت به آن کسی که تهیه مخارج در دستش بود، فرمود: «هر چه داری به این مرد بده که من از او خجالت می‌کشم!» دوازده هزار درهم موجودی را به او داد، چنانکه برای مخارج آن روز چیزی نماند، و جواب دو شعر را نیز چنین داد: «تو از ما با عجله چیزی خواستی، آنچه بود دادیم و بسیار کم بود. بگیر و آنچه داشتی آبرو حفظ کن و گویا که ما را ندیده ای و به ما چیزی نفروخته ای.»

این سیره و منش امام مجتبی باید در زندگی مردم ما جاری و ساری باشد و هرکسی به اندازه توان خود به ویژه در دوران فعلی دست دیگران را هم بگیرد و تلاش کند قدمی در راه اثبات اطاعت و ولایت پذیری نسبت به این امام همام داشته باشد.

گرچه همه اهل بیت (علیهم السلام) اهل کمک مؤمنانه بودند اما وضوح و کثرت این کمک در امام حسن مجتبی (علیه السلام) به حدی بود که او را کریم اهل بیت (علیهم السلام) نامیدند و سفره داری مدینه را به نام او زدند؛ اما نکته قابل توجهی که وجود دارد این است که سیره امام حسن مجتبی (علیه السلام) در این کمک مؤمنانه می‌تواند مدلی برای چگونگی همیاری در بحران‌های اقتصادی باشد.

روزی حضرت مشغول عبادت بود. دید فردی در کنار او نشسته است و به درگاه خدا می‌گوید: «خدایا! هزار درهم به من ارزانی دار. حضرت به خانه آمد و برای او ده هزار درهم فرستاد. امام حسن (ع) هیچ گاه سائلی را از خود نمی‌راند و هرگز پاسخ «نه» به نیازمندان نمی‌فرمود و تمامی جنبه‌های معنوی بخشش را در نظر می‌گرفت.

آورده اند روزی امام مجتبی (ع) شنید مردی در دعا با پروردگار خویش با گریه می‌گوید: «خدایا! ده هزار درهم به من روزی بده. « امام وقتی سخن او را شنید سریع از مسجد به خانه برگشت و به همان مقدار درهم از خانه برداشت و به او داد. مرد، بسیار خوشحال شد؛ اما وقتی خواست سکه‌ها را ببرد نتوانست آن را حمل کند. رو به امام کرد و گفت: «اکنون دو نفر را صدا بزن که این سکه‌ها را برای من حمل کنند». امام، عبایش را از دوش برداشت و سکه‌ها را درون آن گذاشت و دستور داد تا آن را برای مرد ببرند؛ اما دیگر درهمی در میان نبود که به آن دو نفر بدهد. غلامان حضرت گفتند: والله ما عندنا درهم؛ دیگر [حتی] درهمی نداریم، امام فرمود: لَكِنِّي أَرْجُو أَنْ يَكُونَ لِي عِنْدَ اللَّهِ أَجْرٌ عَظِيمٌ؛ اما من امید پاداشی بزرگ از نزد پروردگار خویش دارم».

امام مجتبی^۷ جامعه را یک خانواده بزرگ میدانند که در آن تمامی افراد در برابر یکدیگر دارای وظایفی هستند. در این جهت امام حسن^۷ نیز یکی از مهمترین تکالیف خویش را ضرورت توجه و اهتمام به امور مسلمانان قرار داده و در قالب رفتار و گفتار خویش، بارها به این موضوع پرداخته اند. تنها به گوشه‌های از این رفتارها اشاره میشود که تأثیر بسیار زیادی نیز در سبک زندگی آدمی و بهبود کیفیت آن دارند.

رسیدگی به امور مردم اهتمام به امور مسلمانان و سفارش به تأمین نیازهای ایشان، همواره مورد توجه اسلام و سیره ائمه: مخصوصاً امام حسن^۷ بوده است.

روزی فردی از امام مجتبی^۷ پرسید: «چه کسی از همه مردم خوشگذرانتر است؟» فرمود: «کسی که دیگران را در زندگی خود شریک سازد»^۱.

^۱ - یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۵

در حدیث دیگری از ایشان پرسیدند: «زندگی چه کس از همه بدتر است؟» فرمود: «کسی که هیچکس در زندگی او زندگی نکن^۱».

همچنین ایشان از قول رسول خدا^۹ فرمودند: شنیدم از پدرم و از رسول خدا^۹ که فرمود: «کسی که برای برآوردن حاجت برادر مسلمانی، تلاش کند مانند آن است که نه هزار سال خدا را عبادت کرده که روزها روزه دار و شبها در حال قیام و عبادت بوده است^۲ این حدیث و فرمایش امام، فضیلت و ثواب قضای حوایج مردم را روشن میسازد که برترین ثواب و بالاترین ارزش است.

بنابراین، یکی از رموز افزایش رفاه و حس لذت از زندگی، در نظر داشتن مشکلات زندگی دیگران و تلاش برای رفع نیازهای ایشان است.

علت بخشش های بسیار و حساب شده امام حسن مجتبی^۷

حضرت در بحران‌های اقتصادی بیش‌ترین مقدار کمک را نسبت به نیازمندان داشتند تا آنجا که سه مرتبه اموال خود را به دونیم تقسیم کرده و نیمی را به فقرا دادند و نیمی را برای خود برداشتند و دو مرتبه نیز تمام دارایی خود را در راه خدا انفاق فرمودند.^۳

بخشش های حساب شده اما کامل و زیاد امام حسن مجتبی(ع) به این دلیل بود که نباید در جامعه اسلامی فقری وجود داشته باشد، از این رو باید سعی شود تمام کمک های خیرخواهانه به این سمت و سو هدایت شود و روزی برسد که ریشه فقر در جامعه از بین برود.

بهترین دلیل برای اثبات این نوع مواسات بخشیدن چندین مرتبه تمام یا نصف ثروت امام حسن مجتبی(ع) به فقراء است. می توان گفت که بارزترین ویژگی امام مجتبی (ع) که بهترین سرمشق برای دوستداران او است، بخشندگی بسیار و دستگیری از دیگران است. ایشان به بهانه های مختلف، همه را از خوان کرم خویش بهره مند می ساخت و آن قدر بخشش می کرد تا شخص نیازمند بی نیاز می شد؛ زیرا طبق تعالیم اسلام، بخشش باید به گونه ای باشد که فرهنگ گدایی را ریشه کن سازد و در صورت امکان، شخص را از جرگه نیازمندان بیرون کند.

حضرت گاهی مبالغ قابل توجهی پول را به شکل یکجا به مستمندان می بخشیدند، به نحوی که حتی مایه ی تعجب سائلین می شد؛ درسی که از چنین جود و بخشش چشمگیری می توان گرفت این است که ایشان با این کار برای همیشه شخص فقیر را بی نیاز می ساخت چه آن که او می توانست با این مبلغ، تمام احتیاجات خود را برطرف نموده و زندگی آبرومندانه ای تشکیل بدهد و احیاناً سرمایه ای برای خود تهیه نماید.

۱ - عطاردی، همان، ج ۲، ص ۹۵۵

۲ - میزان الحمکه، ج ۶، ص ۴۴۳

۳ - بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۹؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۱، ص ۴۹۰.

در واقع امام مجتبی(ع) روا نمی دید مبلغ ناچیزی که خرج یک روز فقیر را به سختی تأمین می کند، به وی داده شود و در نتیجه او ناگزیر گردد برای تأمین روزی بخور و نمیری، هر روز دست احتیاج به سوی این و آن دراز کند.

امام حسن مجتبی(ع) با انفاق زمینه ریشه کنی فقر را در جامعه فراهم کرد. رفتار امام حسن مجتبی(ع) به گونه ای نبود که موجبات گداپروری در جامعه فراهم شود یا از مازاد اموال خود به فقرا ببخشد، بلکه ایشان از آن چیزی که همه دوست داشتند انفاق می کرد.

امام حسن مجتبی(ع) با انفاق زمینه ریشه کنی فقر را در جامعه فراهم کرد، ایشان با انفاق نیاز فرد را به گونه ای برطرف می کرد که به دنبال دیگر مردم برای تأمین خواسته هایش نرود، امام نشان داد که هم می توان مکه رفت و هم انفاق کرد.

حضرت همزمان به وظیفه دینی و شهروندی عمل می کردند، و در زمینه ریشه کنی فقر ایشان همواره پیشتاز بود.

حضرت به همراه کمک به افراد برای رفع فقر در آنها ایجاد عزت کرده و سرمایه ای را برای ایجاد اشتغال و کسب درآمد برای امرار معاش سوق می داد همان گونه که در سیره نبوی و حضرات معصومین: نمایان است.

ترویج اشتغال

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم برای ایجاد انگیزه تولید و کسب درآمد در وجود مسلمانان، از روش های مختلفی بهره می گرفت که یکی از آن امور را بیان می کنیم.

زمینه سازی برای رشد استعدادها

آن حضرت با استفاده از فرصت های مناسب برای شکوفایی نیروهای درونی و استعدادهای نهفته افراد، زمینه سازی می نمود و از این طریق، در آنان انگیزه تولید و کسب درآمد را تقویت می کرد. روایت زیر، نشانگر این روش رسول گرامی می باشد:

مردی از اصحاب در تنگنای زندگی قرار گرفت. وی که دارای شغل مناسبی نبود و بسیاری اوقات از بیکاری رنج می برد، خانه نشین شد. روزی همسرش به وی گفت: ای کاش به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می رفتی و از او درخواست کمک می نمودی! مرد با پیشنهاد همسرش به حضور رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم رفت. هنگامی که چشم حضرت به او افتاد، فرمود: «مَنْ سَأَلْنَا أَعْطَيْنَاهُ وَ مَنْ اسْتَعْنَى أَعْنَاهُ اللَّهُ؛ هر کس از ما کمک بخواهد، ما به او یاری می کنیم ولی اگر بی نیازی بوزد و دست حاجت پیش مخلوقی دراز نکند، خداوند او را بی نیاز می کند.»

او پیش خود فکر کرد که مقصود پیامبر، من هستم و بدون این که سخنی بگویم، به خانه برگشت و ماجرا را برای همسرش بازگو کرد. زن گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم هم بشر است. (و از حال تو خبر ندارد.) او را به وضع زندگی نکبت بار و پر مشقت خود آگاه کن.

مرد ناچار برای بار دوم به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم رفت اما قبل از این که حرفی بزند، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همان سخن قبلی را تکرار کرده و فرمود: «مَنْ سَأَلْنَا أَعْطَيْنَاهُ وَ مَنْ اسْتَعْنَى أَعْنَاهُ اللَّهُ.» باز هم بدون اظهار حاجت، به خانه برگشت ولی چون خود را همچنان در چنگال فقر و بیکاری، ضعیف و ناتوان می دید، برای سومین بار با همان نیت به مجلس رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم رفت. باز هم لب های رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم به حرکت در آمد و با همان آهنگ - که به دل، قوت و به روح، اطمینان می بخشید- همان جمله را تکرار کرد. این بار اطمینان بیشتری در قلب خود احساس نمود؛ حس کرد که کلید مشکل خویش را در همین جمله یافته است. وقتی که خارج شد، با قدم های مطمئن تری راه می رفت. با خود فکر می کرد که دیگر به دنبال کمک خواستن از بندگان نخواهم رفت. به خدا تکیه می کنم و از نیرو و استعدادی که در وجودم به ودیعت نهاده شده است، بهره می گیرم و از او می خواهم که مرا در کارهایم موفق گردانیده و از دیگران بی نیاز سازد. با این نیت، تیشه ای عاریه گرفت و به جانب صحرا رفت. آن روز مقداری هیزم جمع کرد و فروخت و لذت حاصل دست رنج خویش را چشید. روزهای دیگر به این کار ادامه داد تا به تدریج توانست از حاصل درآمد خویش، ابزار کار را فراهم نماید. باز هم به کار خود ادامه داد تا صاحب سرمایه و شتر و غلامانی شد. وی در اثر تلاش و کوشش شبانه روزی، یکی از افراد ثروتمند گردید. روزی به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمده و وضعیت خود را به آن حضرت گزارش داد که چگونه در آن روز فلاکت بار به محضر حضرت آمده و چگونه سخن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم وی را به تحرک و کار واداشت. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: من که به تو گفتم؛ هر کس از ما کمکی بخواهد، ما به او کمک می کنیم ولی اگر بی نیازی بورزد، خدایش او را کمک خواهد نمود.

کمک مؤمنانه اولویت عبادی امام حسن مجتبی (علیه السلام)

کمک مؤمنانه اولویت عبادی امام حسن مجتبی (علیه السلام) بود اگرچه عبادت و راز و نیاز فضیلت بالایی است اما با مراجعه به سیره امام حسن مجتبی (علیه السلام) در میابیم که ایشان خدمت به خلق دو رفع نیاز از نیازمندان را اولویت عبادی خود دانسته و حتی بنا به نقل ابن عساکر زمانی که در مسجدالحرام معتکف بودند طواف و اعتکاف را رها کرده و به رفع نیاز نیازمندانی که ابراز حاجت کرده بودند پرداختند و فرمودند که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که فرمودند: که هر کس حاجتی از برادر مؤمنش برآورده کند، مانند کسی است که سالیان دراز به عبادت مشغول بوده.^۱

ناامید نکردن سائل

^۱ - ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۲۴۸-۲۴۹؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۱۲۹.

آن حضرت پناهگاه دل‌های نیازمندان بود و تا حد ممکن دیگران را ناامید نمی‌ساخت، تصریح کرد: هیچ فقیری از در خانه او دست خالی بازمی‌گشت، حتی اگر نزد امام (ع) چیزی نبود که به نیازمند بپردازد، لیکن آن حضرت با رفتاری کریمانه، خشنودی فرد نیازمند را محقق می‌ساخت.

روزی مردی فقیری از امام مجتبی (ع) درخواست کمک کرد. آن حضرت چیزی در دست نداشتند و چون نمی‌خواستند آن فرد را ناامید برگردانند، او را به سوی بارگاه خلیفه راهنمایی کردند تا خلیفه را در سوگ دخترش تسلیت بدهد و بدین وسیله، صله‌ای دریافت دارد. به ایشان گفتند چرا هیچ گاه فقیری را مأیوس بر نمی‌گردانید؟ در پاسخ فرمودند: من خود، دست نیاز بر درگاه خدا دارم و به الطافش امیدوارم. به همین دلیل، شرم دارم از اینکه خود فقیر باشم و فقیری را مأیوس برگردانم. خدای بزرگ مرا عادت داده است که نعمتهای فراوانش را بر من ارزانی دارد و من نیز او را عادت داده‌ام که نعمتهایش را به مردم ببخشم

حفظ کرامت فقیر

یکی دیگر از نکاتی که در سیره کمک مؤمنانه اهل بیت (علیهم السلام) به خصوص امام حسن مجتبی (علیه السلام) دیده می‌شود حفظ کرامت انسان‌های فقیر و یا درمانده است. باید توجه داشت که بسیاری از انسان‌هایی که در بحران‌ها دچار مشکل و فقر می‌شوند در شرایط عادی با کار و تلاش روی پای خود ایستاده و به صورت آبرومند زندگی می‌کردند اما وقتی که بحران و سختی دامن زندگی آنان را می‌گیرد به یاری دیگران نیازمند می‌شوند در چنین شرایط اهل بیت (علیهم السلام) تلاش می‌کردند تا به نوعی آبرومند نیاز فقرا را برطرف نمایند و حتی گاه قبل از عرض حاجت مستقیم نیاز آنان را برطرف می‌کردند تا مبدا عرض حاجت باعث شکسته شدن کرامت و شخصیت آنان شود.

به عنوان نمونه روزی امام حسن مجتبی (علیه السلام) شنید که مردی متضرعانه به درگاه خدا طلب مبلغ ده هزار درهم می‌کند تا به واسطه آن زندگی‌اش را رونق بدهد حضرت بدون آنکه منتظر خواهش آن مرد شود به خانه می‌رود و مبلغ را تهیه کرده و به مسجد آورده و به مرد نیازمند می‌دهند.^۱

و یا در موارد دیگر تلاش می‌کردند در مقابل کاری کوچک انعامی بزرگ بدهند تا فرد نیازمند نیاز خود را مرتفع دیده و به زندگی عادی برگردد

نقل است که روزی معاویه در چهارچوب قرارداد صلح حواله گران‌قیمتی را برای امام فرستاد و چون حضرت از خانه بیرون آمدند متوجه شدند که شخصی کفش پاره ایشان را تعمیر کرده است و امام تمام آن حواله را به آن فرد دادند و از او تشکر کردند^۲ و اجازه ندادند که کرامت او برای ابراز حاجت خدشه‌دار شود.

تشویق افراد به انفاق

^۱ - اربلی، کشف الغمة، ج ۱، ص ۵۲۳.

^۲ - ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۱۸

تشویق و ترغیب افراد به انفاق و بخشش مال به دیگران، یکی از مهمترین مصادیق اهتمام به امور مسلمانان است که به عنوان تجارت پایدار در قرآن معرفی شده^۱ و تأثیر بسیار زیادی در بهبود سبک زندگی اقتصادی جامعه و ارتقای کیفیت آن دارد. امام حسن^۲ نیز، به این مهم پرداخته و دادن مال در حالت سختی و گشایش را یکی از نشانه های بخشندگی معرفی کرده اند^۳ در حقیقت وجود روح انفاق در میان تکتک افراد جامعه و بذل مال در حالت آسانی و تنگی، علاوه بر^۴ اینکه موجبات تطهیر و تزکیه نفس را فراهم می آورد، موجب از بین رفتن تنشهای اجتماعی و افسردگی های ناشی از فقر و فاصله طبقاتی نیز می گردد زیرا یکی از مشکلات بزرگ اجتماعی که به موازات پیشرفت های صنعتی و مادی، موجبات اخلال در سبک زندگی انسانها را فراهم میسازد، مشکل فاصله طبقاتی میان قشرهای مختلف جامعه است. به همین دلیل تعالیم اسلام و ائمه: از طریق تشویق افراد به اموری همچون انفاق، صدقه، زکات و ... سعی در بیدار نمودن و زنده کردن روح ایمان و برادری میان مسلمانان دارد که از این طریق، سبک زندگی افراد نیز بهبود خواهد یافت. همچنین از دیگر سو، مطابق فرمایش امام، بذل مال در راه خدا، شوق آدمی را برای لقای الهی و بهره‌مندی از نعم اخروی افزایش میدهد و موجبات سعادت دنیوی و اخروی را فراهم می کند. از این رو، ایشان برای رهایی انسان از ترس پس از مرگ، انفاق در راه خدا را سفارش نموده اند.

مردی به امام عرض کرد: «من از مرگ می ترسم!» ایشان فرمودند: این بدان جهت است که تو مال خود را پس از خود گذاشته ای درحالی که اگر جلوتر فرستاده بودی، خوشحال می شدی که با مردن بدان بررسی.^۴

کمک متواضعانه

تواضع در مقابل فقرا یکی از چیزهایی است که قرآن به صورت صریح به آن دستور داده و می‌فرماید:

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ^۵

چون سائلی به تو روی آورد او را با تندی مران.

در سیره کمک مؤمنانه امام حسن مجتبی (علیه السلام) تواضع در مقابل فقیر به وفور به چشم می‌خورد تا آنجا که بعضی از اشراف و بزرگان شهر ایشان را به خاطر شدت تواضع و هم‌نشینی با فقرا و ژنده‌پوشان مورد شماتت و سرزنش قرار می‌دادند؛

آورده‌اند که روزی آن حضرت از کنار کوچه‌باغی در حال عبور بود که عده‌ای از فقرا را مشاهده می‌کنند که در حال خوردن تکه‌هایی از نان خشک هستند آنان رو به حضرت کرده و عرضه داشتند ای پسر رسول خدا آیا هم سفره فقیران می‌شوی؟! آن حضرت از اسب پیاده شدند و در کنار آن‌ها در روی زمین نشستند و با آن‌ها

۱ - سوره فاطر، آیه ۲۹ .

۲ - معانی الاخبار، ص ۲۵۷

۳ - سوره توبه، آیه ۱۰۳

۴ - تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۵

۵ - ضحی، آیه ۱۰

هم سفره شدند و از همان نان خشک همگی خوردند و سیر شدند سپس حضرت از آن‌ها خواست تا برای بازدید به منزل ایشان مشرف شوند و سفره‌ای از غذای مطبوع برای آن‌ها انداخت و پس از غذا از اموالی که داشتند به آن‌ها بخشیدند این صفت تواضع در مقابل فقرا که میراث رسول خدا و امیرمؤمنان بود در کریم اهل بیت (علیهم السلام) در حد کامل ظهور پیدا کرد.^۱

استمرار در کمک

یکی از نکاتی که باید به آن توجه کرد این است که معمولاً فقر فقرای جامعه به دلایل اقتصادی، اجتماعی و یا سیاسی یک مسئله مقطعی و کوتاه مدت نیست بلکه این معضل همیشه جان جامعه را می‌آزاد به همین دلیل از جمله کارهایی که باید کرد این است که کمک مؤمنانه به صورت مستمر ادامه داشته باشد تا مبادا زمانی سفره فقرا خالی بماند و یتیمی سر گرسنه بر زمین بگذار به همین دلیل در سیره کمک مؤمنانه امام حسن مجتبی (علیه السلام) رسیدگی به فقرا به عنوان یک مسئله مستمر شناخته می‌شد تا آنجا که آن حضرت علاوه بر کمک دائم شبانه و روزانه هر روز در منزل خود سفره اطعام پهن می‌فرمودند تا مبادا گرسنه‌ای در مدینه باقی بماند.

شیخ رضی الدین حلی در کتاب خود می‌نویسد: «شخصی به محضر مبارک امام حسن (ع) شرفیاب شد و گفت: "ای فرزند امیر مومنان! تو را سوگند می‌دهم به کسی که این نعمت را بدون شفاعت کسی به تو عنایت نموده از دشمنم انتقام بگیرد چرا که او دشمنی است که به مردم حيله و ستم می‌کند نه به پیرمرد احترام می‌کند و نه به کودک شیرخوار ترحم. امام حسن مجتبی (ع) که تکیه زده بود وقتی سخن آن شخص را شنید فوراً برخاست و نشست. آنگاه به او فرمود: دشمن تو کیست تا از او برای انتقام بگیرم؟»

گفت: فقر و تنگدستی. امام لحظاتی سر مبارک را به زیر انداخت سپس سر را بلند کرد و به خدمتکار خود فرمود: آنچه از اموال نزد تو هست آن‌ها را حاضر کن. او رفت و مبلغ پانصد درهم آورد.

سپس حضرت فرمود: تمام این پول را به این شخص نیازمند بده. آنگاه رو به او کرد و گفت: تو را به حق همان سوگندهایی که به من دادی قسمت می‌دهم هرگاه این دشمن به تو روی آورد نزد من بیا و دادخواهی کن.»

خلاصه آنکه

نگاه به سیره کمک مؤمنانه امام حسن مجتبی (علیه السلام) ما را به مدلی از کمک مؤمنانه می‌رساند که توانایی اداره فقرا جامعه را دارا است و لا اقل نیازهای اولیه جامعه را برطرف می‌کند.

^۱ - ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۲۳